



۲۰۱۷/۰۷/۰۲



نادرشاه سدوزی

ائتلاف کج و کور «قومی» در ترکیه!

حقیقتاً در این ائتلاف قومی که در ترکیه بین جمعیتی ها، جنبش و وحدت به وجود آمد یک نفر از قوم پشتون در آن شامل نیست. بناءً مشاهده می گردد که این ائتلاف نه تنها یک ائتلاف در مقابل رئیس جمهور و تضعیف دولت بوده بلکه بر علیه قوم پشتون هم می باشد.



ولی این عملی که از ایشان سر زده آن قدر جدی و قابل تشویش نمی باشد زیرا موقتی بوده و دوام دار نخواهد بود. این گونه ائتلافات برای اولین بار نیست و ما همه می دانیم که در مدتی نه چندان دور جنگ های شدید و خونین بین جمعیتی ها و جنبشی ها صورت گرفته بود که در نتیجه آن تعداد زیادی از هر دو طرف به قتل رسیده بودند.

به هر صورت نمی توان بالای این گونه ائتلافات تاکتیکی اعتبار و اعتماد داشت و نمی توان گفت که مشکلات مملکت را بدین طریق که یک راه غیر معقول و غیر مطلوب می باشد حل و فصل نمود.

مشکلات مملکت آن قدر مشکل و پیچیده است که رشوه خوری و فساد اداری یک جزئی از کار شکنی هایی بوده و است که اکثر وقت برای بدنای دولت از آن به حیث یک میتود سیاسی بهره برداری می شود و افرادی که در مقام های بلند می باشند در این عمل دخیل استند. به همین نسبت است که دولت مصممانه تصمیم گرفته تا در مقابل این مرض بی اعتماد سازی دولت و رشوه خوری اقدام جدی نماید و کسانی را که از مقام رسمی خویش سوء استفاده می نمایند به محکمه بکشاند.

قسمی که در بالا تذکر داده شد افرادی برخلاف رئیس جمهور دست به ائتلاف «قومی - سیاسی» در یک کشور بیگانه زده اند. ولی بهتر می بود که به عوض جور کردن ائتلاف «قومی - حزبی» برای ختم کار دوسیه تجاوز جنسی که در نزد محکمه و خارنوالی جوابگو می باشند اقدام به خرج داده به جرم خود اعتراف و خلاف قانون حرکت نمی نمودند تا اینکه حاکمیت قانون پایمال نمی شد. زیرا در نظام دموکراسی حاکمیت قانون یک اصل بوده و مجری آن رئیس جمهور و قضات محترم می باشند.

هیچ کس در نظام دموکراسی بالاتر از قانون نبوده، همه افغان ها در برابر قانون مساوی می باشند.

باز هم بهتر می بود که جایداد های غضب شده از طرف جنگ سالاران در سمت شمال دوباره مسترد می شد و بعداً صحبت از یک ائتلاف ملی و سیاسی نه «قومی - حزبی» در میان می آمد.

به همین نسبت است که در رأس کشور موجودیت یک شخص مسؤول و با وجدان به حیث رئیس جمهور لازمی است تا وی بتواند مملکت را از این بی بند و باری و بحران نجات داده و با صبر و حوصله مندی فراوان مملکت را اداره و کنترل نماید تا جلو فسادها گرفته شود که البته به طبع دل بعضی ها نمی باشد.

باز هم در این شرایط وخیم امروز، ایرانی ها به اشکال مختلف در امور داخلی مملکت مداخله می نمایند، باید شخصی در رأس امور مملکت باشد که پوز ایرانی ها را در خاک مالیده و نگذارد که آنها در امور داخلی ما مداخله نمایند.

همه مطلب به خاطر این است که در رأس امور مملکت باید یک شخص دانشمند، با اعتبار به حیث رئیس جمهور ایفای وظیفه نماید که می نماید، تا مملکت را با حوصله مندی اداره نماید که می کند. در غیر آن یک دزد جنایت کار هم می تواند با زور، قدرت را کسب نموده ولی معلوم نخواهد بود که وی توانایی آنرا خواهد داشت که مملکت را به صورت شایسته آن اداره نماید؟

ترحم و دلسوزی به حال مملکت یک امر وجدانی و انسانی می باشد. همه ما افغان هستیم و اختلاف نظر در نظم دموکراسی یک امر اساسی و ضروری می باشد تا اینکه جلو فساد و ترور گرفته شود و امنیت برقرار گردد.

نباید کینه توزی و بی اعتمادی در بین افغانها ترویج یابد.

تمنیات ما این است که این مملکت که در آن زاده شده ایم و در بطنش پرورش یافته ایم، یک مملکت مترقی، آزاد و مستقل بوده و از تسلط بیگانگان به دور باشد.

خطری که امروز با آن مواجه هستیم به نزد هیچ کس پوشیده نیست. روزی بود که روسها می خواستند که از طرف شمال به طرف جنوب سرا زیر شوند و مملکت ما را اشغال نمودند. ولی امروز پاکستانی ها می خواهند که از طرف جنوب به طرف شمال بروند و مملکت افغانها را زیر سلطه خود داشته و مخصوصاً خواهان آن هستند که سیاست خارجی ما باید مطابق میل آنها باشد. ولی آنها نمی دانند که افغانها برای استقلال کشور خود و مخصوصاً سیاست خارجی چقدر جان فشانی نمودند تا اینکه استقلال وطن را از چنگ انگلیسها نجات دادند.

همه این مطلب را به خوبی می دانند که در شرایط فعلی قدرت حاکمه باید با ثبات، محکم و استوار باشد تا اینکه دشمنهای داخلی و خارجی نتوانند آنرا تضعیف نمایند. البته این امر مستلزم وحدت ملی می باشد. ولی با تأسف یک تعداد از گروههای سیاسی یا اینکه وضع فعلی را درست درک نکرده اند و یا اینکه نمی خواهند درست درک نمایند. آنها ائتلاف «قومی - حزبی» را تشکیل داده که فکر نمی شود به نفع مملکت باشد.

این ائتلاف در مقابل کی؟

در مقابل دولتی که خودشان عضو آن می باشند؟

پس برای دشمنی با دولت باید که از پوستهای دولتی استعفی بدهند؟ نمی شود که یک پای در درون دولت داشت و با پای دیگر به مخالفت و دشمنی بر علیه دولت اقدام نمود.

این گونه افراد بدبختانه نتوانسته اند که دوست و دشمن خود را تشخیص بدهند که اعمالشان غیر مسؤولانه می باشد. در اخیر چند نکته را قابل یادآوری می دانم.

اول، اینکه رئیس جمهور مکلفیت دارد که قانون اساسی را حفاظت کند و مطابق قانون اساسی رفتار نماید. اصل عزل و نصب در امور اداری کشور از صلاحیت های رئیس جمهور بوده که این صلاحیت را قانون اساسی برای شان به حیث رهبر مملکت تفویض نموده است.

دوم، پایمال کردن قانون و انصراف از آن به خاطر این و آن با ایجاد ائتلاف «قومی - حزبی» صدمه بزرگی است بر پیکر حاکمیت قانون و نظام دموکراسی.

نظام دموکراسی بدون حاکمیت قانون امکان پذیر نیست و حاکمیت قانون بدون دموکراسی و کثرت گرائی مملکت را به طرف دیکتاتوری حزبی سوق می دهد. بناءً این ائتلاف «قومی - حزبی» اگر خیانت نگوئیم، یک اشتباه بزرگ سیاسی است که از طرف یک اقلیت، مطرح شده که در آن زیادتز جنبه های شخصی، قومی و عقده های انتقام گیری شامل است که با منافع عمومی مملکت در تضاد کامل قرار داشته و قابل قبول نمی باشد.

پایان



ائتلاف قلب [تقلبی]

زیرا دست ها یک جاست ولی قلب ها جدا